تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۷

نادیده گرفتن عامدانه جنگ، تحریم و محاصره

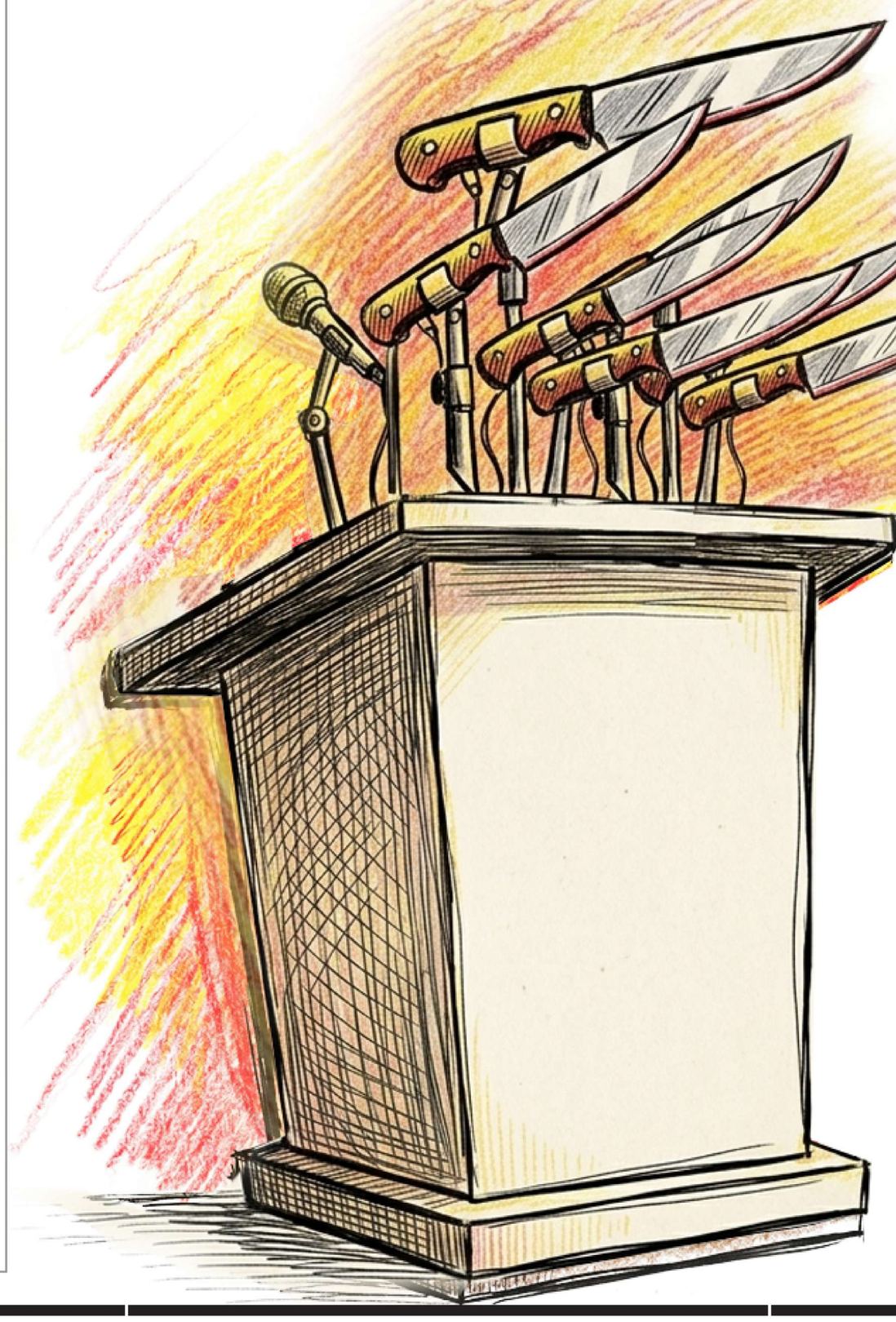
سیاسی‌کاری علیه منافع ملی

در شرایطی که کشور درگیر و دار یک جنگ تمام عیار با قدرت اول اقتصادی و نظامی جهان و شرکایش قرار گرفته و ملت شریف ایران با تکیه بر ایمان و بصیرت، در برابر تمام فشارهای ناشی از جنگ تحمیلی ایستادگی کرده‌اند، رویکردی عجیب از سوی برخی جریان‌ها در فضای داخلی مشاهده می‌شود. این جریان‌ها که سال‌ها با شعارهای گوناگون، مردم را به قناعت و صبوری دعوت می‌کردند و خود را پیش‌قراول مقاومت می‌نامیدند، امروز در مواجهه با تبعات اقتصادی جنگ، چهره‌ای متفاوت از خود نشان می‌دهند.

باید به خاطر آورد که بخش مهمی از افزایش قیمت کالاها و تورم فعلی، نتیجه مستقیم تهاجم دشمن متجاوز و در امتداد آن جنگ اقتصادی تمام عیار علیه کشور است. محاصره دریایی، تخریب برخی مبادی گمرکی و کاهش شدید واردات اقلام ضروری، در کنار افت درآمدهای نفتی و غیرنفتی، همگی پیامدهای این جنگ اقتصادی-نظامی هستند. علاوه بر این، هدف قرارگرفتن زیرساخت‌های حیاتی در بخش‌های پتروشیمی، فولادی، معدنی و حتی دارویی، فشار بر اقتصاد ملی را دوچندان کرده است.

با این حال، برخی اشخاص و گروه‌ها با در نظر نگرفتن شرایط جنگ و نادیده گرفتن این واقعیت‌های عینی، به جای همسویی با ملت مقاومت، به دنبال بهره‌برداری سیاسی از سختی‌های مردم هستند. این افراد که امروز برخلاف ادعاهای گذشته‌شان، ثابت کردند هرگز اهل مقاومت نیستند، با هر فرصتی به تخریب دولت و پمپاژ ناامیدی روی آورده‌اند. رویکردی که هدف آن تهی کردن فضای اجتماعی از روحیه صبوری و جایگزینی آن با سرخوردگی است.

تلاش برای ناکارآمد جلوه دادن حاکمیت در مدیریت بحران از طریق مقایسه آمار و ارقام اقتصادی در دو مقطعی که از نظر فضای سیاسی و امنیتی هیچ شباهتی به هم ندارند، دقیقاً همان الگویی است که رسانه‌های معاند و ضدوطن، از جمله ایران اینترنشنال، برای متلاشی کردن انسجام داخلی به‌کار می‌برند. این هم‌سویی در روایت، نشان می‌دهد که برخی در داخل، به‌جای آنکه در صف اول دفاع از منافع ملی باشند، ناخودآگاه یا خودآگاه در حال پیش‌برد ادامه پروژه آمریکایی-صهیونی هستند.



یادداشت روز

اقتصاد در تله انتظارات تورمی

■ صادق رضائی
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

اقتصاد در تله انتظارات تورمی در هفته‌های اخیر، نشانه‌هایی از کاهش موقت تنش‌های سیاسی با آمریکا به شکل آتش‌بس در عرصه دیپلماتیک پدیدار شده است. با این حال، آنچه در بازارهای اقتصادی ایران جریان دارد، نه آرامش بلکه شتاب فزاینده تورم و نرخ ارز، تضعیف روزافزون بخش تولید و اختلال در زنجیره تجارت خارجی است. این وضعیت پارادوکسیکال یعنی آرامش سیاسی ظاهری در کنار طوفان اقتصادی، ریشه در نوع خاصی از هماهنگی انتظارات دارد که می‌توان آن را دام هماهنگی منفی در شرایط آتش‌بس ناقص نامید.

در چنین فضایی، سیاست‌های پولی متعارف از جمله افزایش نرخ بهره یا کنترل ترازنامه با محدودیت جدی مواجه می‌شوند. مسأله دیگر صرفاً سطح نقدینگی یا نرخ سود نیست، بلکه نحوه شکل‌گیری و هم‌راستایی انتظارات است. در ادبیات اقتصاد کلان کینزی جدید، به‌ویژه در چارچوب‌های مبتنی بر چسبندگی قیمت‌ها و انتظارات عقلایی، تورم نه فقط به متغیرهای حقیقی، بلکه به انتظارات وابسته است. در نسخه‌های توسعه‌یافته‌تر این مدل‌ها از جمله در ادبیات تعادل‌های چندگانه و بازی‌های هماهنگی نشان داده می‌شود که اقتصاد می‌تواند در بیش از یک تعادل پایدار یعنی تعادل خوب با تورم پایین و اعتماد بالا، و تعادل بد با تورم مزمن و فرار از پول ملی قرار گیرد. در این شرایط آنچه بیشتر تعیین می‌کند کدام تعادل محقق شود، صرفاً بنیادهای اقتصادی نیست، بلکه باور مشترک عاملان درباره رفتار یکدیگر است.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

اعتبار دومین مرحله خرید کارت امید مادر در بستر کالابرگ الکترونیکی شارژ شد

دستورالعمل پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری به شبکه بانکی ابلاغ شد

صندوق‌های سرمایه‌گذاری در جذب نقدینگی پیشتاز شدند

زمان معاملات بورس از شنبه ۱۶ خرداد ۹ صبح تا ۱۲:۳۰ خواهد بود

تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۷

نگاهی به اعداد و ارقام عملکرد تیم اقتصادی دولت در جریان بحران و جنگ

دروغگویی مدعیان صداقت

حمله به رئیس بانک مرکزی از کجا سازماندهی می‌شود؟

در حالی که اقتصاد ایران با تبعات گسترده ناشی از جنگ دست به گریبان است، برخی جریان‌ها در حال تسویه حساب سیاسی و حمله به رئیس کل بانک مرکزی هستند.

به گزارش خبرنگار تازه‌های اقتصاد؛ در هفته‌های اخیر موج تازه‌ای از حملات رسانه‌ای علیه بانک مرکزی و عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، در برخی رسانه‌ها و تریبون‌های سیاسی مدعی صداقت شکل گرفته است. نقطه مشترک این حملات، نادیده گرفتن شرایط ویژه اقتصادی کشور و تلاش برای نسبت دادن تمامی مشکلات و چالش‌ها به سیاست‌گذار پولی است.

نمونه اخیر این رویکرد را می‌توان در انتشار برخی اخبار درباره برداشت از منابع سازمان تأمین اجتماعی مشاهده کرد؛ اخباری که تلاش داشتند تأخیر در پرداخت افزایش حقوق بازنشستگان را به بانک مرکزی نسبت دهند. این در حالی است که بانک مرکزی هیچ نقشی در تأمین کسری منابع سازمان تأمین اجتماعی ندارد. واقعیت آن است که اگر قرار باشد بانک مرکزی برای جبران کسری منابع دستگاه‌ها و صندوق‌های مختلف اقدام به خلق پول کند، نتیجه‌ای جز افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم، به‌ویژه بازنشستگان و اقشار کم‌درآمد، نخواهد داشت.

اما مهم‌ترین محور حملات اخیر، اقدام هدفمند برای انداختن همه مشکلات اقتصادی کشور به گردن رئیس کل بانک مرکزی است. برخی رسانه‌ها مدعی شده‌اند که عبدالناصر همتی مسئول تورم موجود است، در حالی که این تحلیل‌ها، مسئولیت سایر دستگاه‌ها را نادیده می‌گیرد و یک متغیر بسیار مهم، یعنی «جنگ» را به طور کامل از معادله حذف می‌کنند.

اقتصاد ایران در ماه‌های گذشته با جنگ تحمیلی سوم موسوم به جنگ رمضان مواجه بود؛ جنگی که حدود ۴۰ روز به طول انجامید و آثار آن تنها محدود به حوزه نظامی نبود. بخش مهمی از زیرساخت‌های اقتصادی کشور در این دوره آسیب دید. تولید برخی مجتمع‌های پتروشیمی که از مهم‌ترین منابع ارزآوری غیرنفتی کشور محسوب می‌شوند با اختلال یا توقف مواجه شد. محاصره دریایی و محدودیت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، جریان تجارت خارجی کشور را تحت فشار قرار داد. صادرات نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد ارزی کشور نیز با چالش‌های جدی مواجه شد.

در چنین شرایطی، طبیعی است که فشار بر بازار ارز، زنجیره تأمین کالا و سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابد. با این حال، نکته‌ای که منتقدان کمتر به آن اشاره می‌کنند این است که بانک مرکزی متولی مستقیم تولید و درآمد ارزی کشور نیست. ارز حاصل از صادرات نفت، پتروشیمی و سایر بخش‌ها توسط دستگاه‌های اجرایی و صادرکنندگان تأمین می‌شود و بانک مرکزی صرفاً مسئول مدیریت، تخصیص و توزیع این منابع محدود در برابر حجم بسیار بالای تقاضاهای ارزی کشور است.

به بیان دیگر، هنگامی که درآمدهای ارزی کشور تحت تأثیر جنگ کاهش پیدا می‌کند، انتظار از بانک مرکزی برای پاسخگویی کامل به همه نیازهای ارزی بدون توجه به محدودیت منابع، انتظاری غیرواقع‌بینانه است.

از سوی دیگر، برای قضاوت منصفانه درباره عملکرد هر سیاست‌گذار اقتصادی، باید شرایط دوره‌های مختلف با یکدیگر قابل مقایسه باشند. مقایسه عملکرد اقتصادی یک دوره جنگی با یک دوره عادی، بدون لحاظ کردن شوک‌های ناشی از جنگ، تحریم، اختلال در تجارت و کاهش درآمدهای ارزی، از نظر کارشناسی فاقد اعتبار تحلیلی است.

نکته قابل تأمل آن است که همان جریان‌هایی که امروز بانک مرکزی را به دلیل شرایط اقتصادی مورد انتقاد قرار می‌دهند، کمتر اشاره‌ای به اقدامات گسترده این نهاد برای حفظ ثبات اقتصادی کشور در دوران جنگ رمضان دارند.

در همین دوره، در حوزه تأمین ارز، بانک مرکزی با اولویت‌بندی مصارف ارزی، منابع موجود را به واردات کالاهای اساسی، دارو، نهاده‌های کشاورزی و مواد اولیه تولید اختصاص داد. همچنین بسته‌های حمایتی متعددی برای واحدهای تولیدی تدوین شد که شامل افزایش سقف سرمایه در گردش، امهال بدهی‌ها، تمدید تعهدات و افزایش خطوط اعتباری بود.

همچنین با وجود حملات سایبری و فیزیکی به برخی زیرساخت‌های بانکی، سامانه‌های اصلی پرداخت کشور فعال ماندند و خدمات بانکی متوقف نشد. در بخش حمایت از خانوارها نیز پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری ادامه یافت، سقف تسهیلات ودیعه مسکن افزایش پیدا کرد و جرایم تأخیر تسهیلات خرد برای میلیون‌ها تسهیلات‌گیرنده بخشوده شد.

همه این اقدامات در شرایطی انجام شد که اقتصاد کشور با یکی از شدیدترین شوک‌های خارجی سال‌های اخیر مواجه بود؛ بنابراین اگر قرار است درباره عملکرد بانک مرکزی قضاوتی صورت گیرد، این قضاوت باید بر اساس مجموعه واقعیت‌های اقتصادی و شرایط محیطی کشور باشد، نه بر پایه حذف متغیرهای کلیدی و تقلیل همه مسائل به نام یک فرد یا یک نهاد.

اقتصاد، عرصه تحلیل واقعیت‌هاست نه میدان تسویه‌حساب‌های سیاسی. نادیده گرفتن آثار جنگ، اختلال در صادرات، کاهش درآمدهای ارزی و فشارهای کم‌سابقه بر اقتصاد کشور، شاید برای تولید یک تیتر سیاسی جذاب باشد، اما کمکی به فهم درست مسائل اقتصادی و یافتن راه‌حل برای آنها نخواهد کرد.



تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۷

بررسی صورت‌های مالی ۱۶ بانک و مؤسسه اعتباری بورسی

کدام بانک‌ها نقدینگی قوی‌تری دارند؟



میانگین «نسبت دارایی‌های نقد و معادل نقد به کل دارایی‌ها» در ۱۶ بانک و مؤسسه اعتباری فعال در بازار سرمایه به ۹.۲ درصد رسیده است. «نسبت دارایی‌های نقد و معادل نقد به کل دارایی‌ها» یکی از شاخص‌های نقدینگی بانک‌هاست و نشان می‌دهد چه سهمی از دارایی‌های یک بانک در نقدترین شکل ممکن نگهداری می‌شود. این شاخص بیانگر توان بانک در پاسخگویی سریع به تعهدات کوتاه‌مدت، به‌ویژه برداشت سپرده‌هاست.



در ایران، بانک مرکزی برای این نسبت، برخلاف نسبت کفایت سرمایه، استاندارد عمومی و الزام‌آور مشخصی اعلام نکرده است. بانک‌هایی که نسبت دارایی‌های نقد و معادل نقد به کل دارایی‌های آنها در سطوح بالاتر، برای مثال ۱۵ تا ۲۰ درصد، قرار دارد، معمولاً از نقدینگی قوی‌تری برخوردار هستند و توان بیشتری برای پاسخگویی به برداشت سپرده‌گذاران دارند. در نتیجه، ریسک نقدینگی آنها کمتر ارزیابی می‌شود.

با این حال، نگهداری سطح بالایی از دارایی‌های نقدی می‌تواند معایبی نیز داشته باشد. بخشی از منابع بانک در دارایی‌های کم‌بازده نگهداری می‌شود و ممکن است سودآوری بانک کاهش یابد؛ چراکه تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها معمولاً بازده بیشتری نسبت به وجه نقد دارند.

همچنین، نسبت بالای نقدینگی همیشه نشانه مثبتی نیست و گاهی می‌تواند حاکی از ناتوانی بانک در اعطای تسهیلات، کمبود فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری، کاهش رشد ترازنامه یا نگرانی مدیریت از خروج سپرده‌ها باشد. بنابراین، بالا بودن این نسبت لزوماً به معنای عملکرد بهتر بانک نیست.

در مقابل، زمانی که این نسبت در محدوده ۲ تا ۵ درصد قرار دارد، معمولاً بخش بیشتری از منابع بانک در تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های درآمدزا به کار گرفته شده است. هرچند در چنین شرایطی حاشیه امنیت نقدینگی کاهش می‌یابد و در صورت افزایش ناگهانی برداشت سپرده‌ها، بانک ممکن است ناچار به استقراض یا فروش بخشی از دارایی‌های خود شود.

به طور کلی، افزایش تدریجی این نسبت می‌تواند نشانه تقویت وضعیت نقدینگی و رویکرد محتاطانه‌تر بانک باشد. در مقابل، کاهش شدید آن ممکن است بیانگر تمرکز بیش از حد منابع در تسهیلات یا دارایی‌های کم‌نقدشونده و افزایش ریسک نقدینگی باشد.

ارز ترجیحی هیچگاه در سفره مردم دیده نشد

باید با اقتدار جلوی رانت‌خواران ایستاد

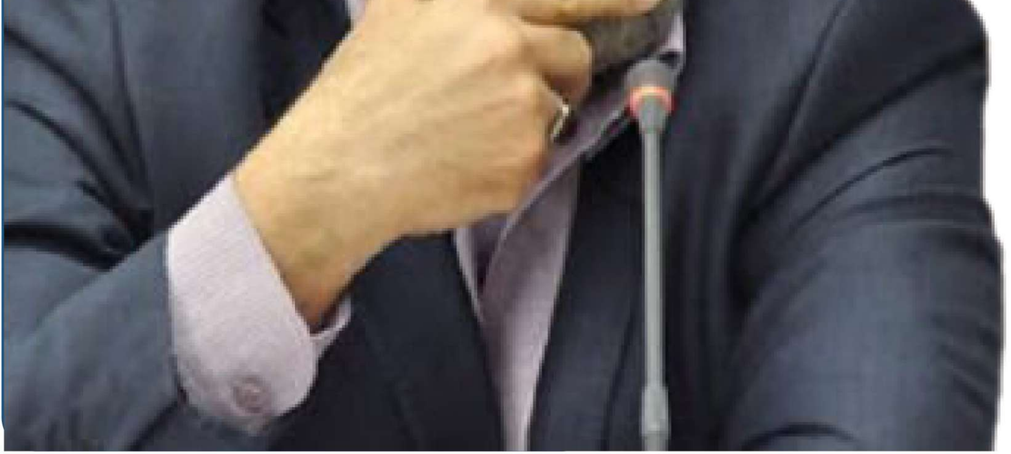
کیومرث کرمانشاهی، معاون کل اسبق سازمان توسعه تجارت ایران، با اشاره به ضرورت حذف ارز ترجیحی از نظام اقتصادی کشور اظهار کرد: من معتقد نیستم که حذف ارز ترجیحی عامل گرانی‌های اخیر است، تورم و گرانی طی این سال‌های گذشته همواره در اقتصاد کشور ما وجود داشته که عوامل بسیار زیادی هم دارد، اما حذف ارز ترجیحی آرزوی همه ما بود که به تک نرخی شدن ارز کمک می‌کند.

او اظهار کرد: دلایل زیادی برای گرانی در کشور وجود دارد از جمله انواع تحریم‌ها، جنگ و بحران‌های ناشی از آن در ماه‌های اخیر، موضوع نه جنگ نه صلح، آتش‌بس، محاصره تنگه هرمز و مذاکرات اخیر که تاثیر زیادی روی بازارها و قیمت‌های آن گذاشته‌اند.

کرمانشاهی با بیان اینکه متاسفانه هنوز نظام تک‌نرخی ارز در کشور برقرار نشده، تصریح کرد: با تمام تلاش‌های بانک مرکزی برای نزدیک‌کردن نرخ ارز مبادله‌ای با بازار آزاد هنوز بین این نرخ‌ها فاصله قیمتی وجود دارد که این اتفاق دلایل مختلفی از جمله تورم، تنش‌های منطقه و اخبار مربوط به جنگ دارد.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به نبود تقاضا برای ارز در روزهای ابتدایی جنگ ۴۰ روزه گفت: ارز نوعی کالا است که عرضه و تقاضا در نرخ آن قطعا تاثیرگذار است، مابه‌التفاوت نرخ ارز مبادله‌ای با بازار هم با افزایش تقاضا بالا می‌رود، به عقیده من مجموعه اقدامات و تصمیمات سیاستگذاران ارزی در بانک مرکزی باید به نحوی باشد که حذف ارز ترجیحی از نظام اقتصادی کشور ادامه پیدا کند و شاهد آثار مثبت آن در کشور باشیم.

معاون کل اسبق سازمان توسعه تجارت ایران تاکید کرد: ارز ترجیحی هیچوقت در سفره مردم خود را نشان نداده و تاثیری بر سبد معیشت مردم نداشته، بلکه در تمام این سال‌ها صرفا به عنوان یک عاملی برای رانت الیگارش‌ها و افراد خاص تبدیل شده که به نظر من بانک مرکزی، دولت و وزارت اقتصاد باید پای کار بایستند و با هماهنگی یکدیگر کمک کنند تا فاصله قیمتی بین نرخ ارز مبادله‌ای و بازار کاهش پیدا کند و در نهایت فاصله آنها از بین رود و شاهد ارز تک نرخی در کشور باشیم.



تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۷

سیاست پولی در تنگنای انرژی و جنگ

تورم در قاره سبز اوج گرفت

تورم منطقه یورو در مه ۲۰۲۶ با افزایش به ۳.۲ درصد، تحت تأثیر رشد قیمت انرژی و خدمات، بار دیگر از هدف تعیین‌شده بانک مرکزی اروپا فاصله گرفت.

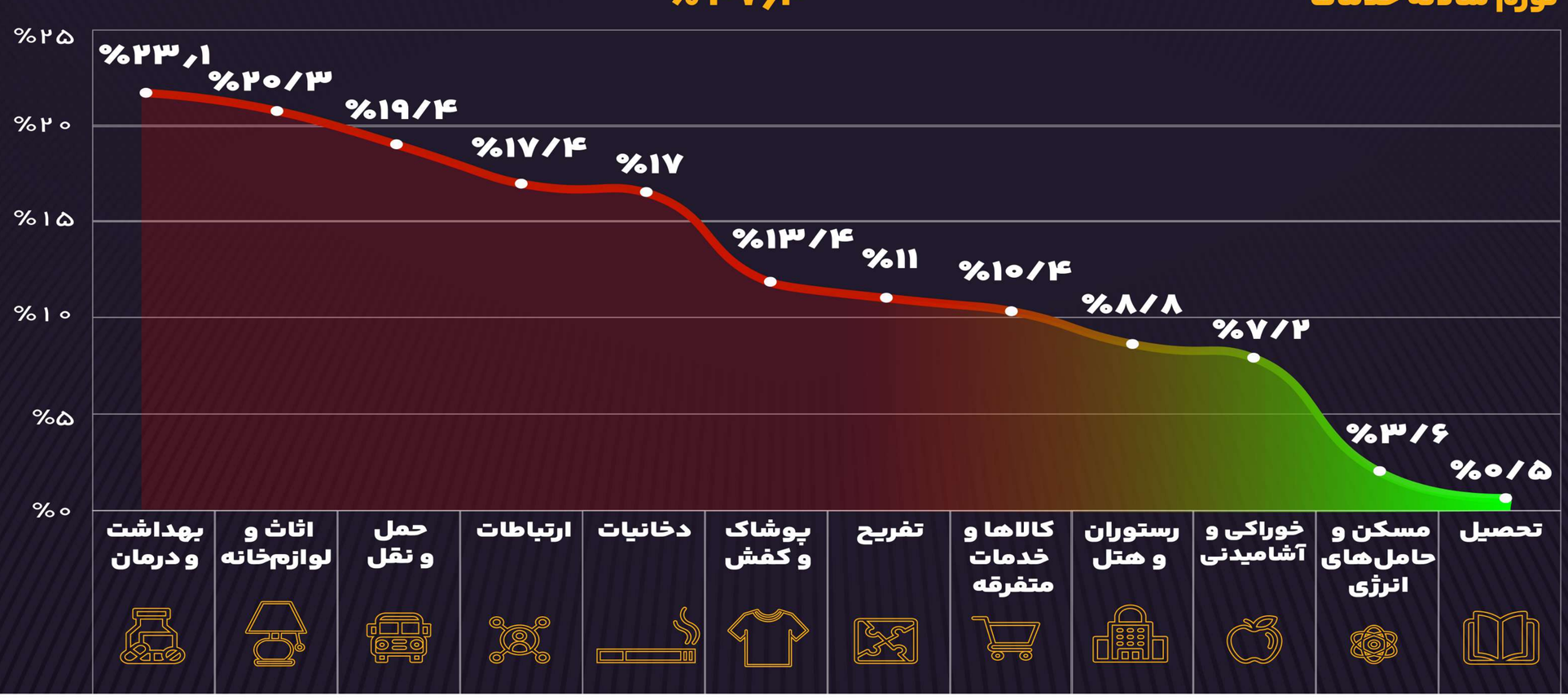
تورم در منطقه یورو بار دیگر از مسیر آرامش فاصله گرفته است. تازه‌ترین برآورد اولیه یورواستات نشان می‌دهد که نرخ تورم سالانه این منطقه در ماه مه ۲۰۲۶ به ۳.۲ درصد رسیده؛ رقمی بالاتر از ۳.۰ درصد ماه آوریل که همچنان بالاتر از هدف رسمی ۲ درصدی بانک مرکزی اروپا است. هرچند افزایش ۰.۲ واحد درصدی ممکن است محدود به نظر برسد، اما ترکیب درونی این رشد پیام مهم‌تری دارد: انرژی دوباره به موتور اصلی تورم تبدیل شده، خدمات همچنان گران‌تر می‌شود و سایه نااطمینانی ژئوپولیتیکی بر اقتصاد اروپا سنگین‌تر شده است.



در شرایطی که جنگ و تنش‌های خاورمیانه بازارهای انرژی را ملتهب کرده و قیمت نفت در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ به حوالی ۹۰ دلار در هر بشکه رسیده، اقتصاد اروپا بار دیگر با همان مسئله‌ای روبه‌رو شده که طی سال‌های اخیر بارها آن را آزموده است: وابستگی به انرژی وارداتی و آسیب‌پذیر بودن در برابر شوک‌های بیرونی.

نبض گرانی در اردیبهشت

تورم نقطه به نقطه	٪۷۷٫۲
تورم ماهانه	٪ ۸٫۵
تورم سالانه	٪ ۵۳٫۹
تورم سالانه کالا	٪ ۷۲٫۳
تورم سالانه خدمات	٪ ۳۷٫۳



ویدیو



